

گفت‌وگو

با حوریه سردارزاده، رئیس عمومی کودکان‌های وزارت کار و امور اجتماعی

جناب رییس صاحب! مشخصاً فلسفه وجودی ریاست عمومی کودکان‌های چیست؟



سپاس از شما؛ منطق اساسی و اصلی که از بحث کودکان‌ها در افغانستان، ترم و اصطلاح علمی آن؛ انکشاف دوره اولیة طفولیت میباشد؛ که به چندین دوره دیگر تقسیم می‌شوند، بحث انکشاف دوره اولیة طفولیت یا (Early childhood development) که از صفر شروع می‌شود تا هشت ساله‌گی؛ یعنی از لحظه شکل‌گیری نطفه در بطن مادر تا لحظه به دنیا آمدن طفل و پس از به دنیا آمدن تا سه ساله‌گی دوره‌است که به «انگلیسی» به آن (Infant) یا نوزاد یا کودک می‌گویند. فلسفه فعالیت کودکان‌ها این است که در مطابقت به اسناد تقنینی کشور، اسناد ملل متحد، تحقیقات جدید علمی

و در فرجام بحث تقاضای مردم؛ ما را مجبور می‌سازد تا فعالیت‌های کودکانی داشته باشیم؛ همان‌گونه که یک شهروند تقاضای شفاخانه، مکتب، سرک، آب و برق را دارد، خواستار کودکان نیز می‌باشد. دوره اولیۀ طفولیت به عنوان یک بخش خدمات، در بحث مصئونیت اجتماعی بسیار مطرح و مهم است و دقیقاً این همان دوره مهم است که نظر به تحقیق که دانشگاه «هاروارد» انجام داده اند؛ هشتاد فیصد مغز «انسان» و پروسۀ تکامل دماغ انسان در آن شکل می‌گردد. به همین دلیل، دولت‌ها عموماً مبتنی بر اسناد ملی و بین‌المللی که به آن‌ها متحد و مکلف هستند، خدمات ارزشمند این دوره را مکلفیت خود می‌دانند. برخی از دولت‌ها این خدمات را میان «سه - چهار» نهاد تقسیم می‌کنند، طور نمونه؛ دوره اول و مواظبت دوره طفولیت و بارداری به وزارت صحت‌عامه، کودکان‌ها و شیرخوارگاه‌ها، چون بحث مصئونیت اجتماعی، مواظبت و مراقبت از کودک است و یک دوره آموزشی می‌باشد؛ مربوط به وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشد و دوره شش سال به بعد و آموزش‌های قبل از مکتب یا «preschool» و شامل شدن در مکتب دوره است که مربوط به وزارت معارف می‌شود که در برخی از کشورهای دیگر مثل افغانستان هم همین‌گونه است؛ اما در بعضی از کشورها؛ علاوه بر وزارت‌های «معارف، صحت، زراعت، تحصیلات عالی، وزارت حج، ارشاد و اوقاف»؛ حتا، انجوها و دونرها نیز در این فعالیت مهم شریک هستند. دولت افغانستان در مطابقت به ماده 54 قانون اساسی کشور مکلفیت دارد تا از «مادر، کودک و خانواده» حمایت نمایند و بر اساس ماده 126 قانون کار، دولت مکلف است که برای «زنان» که در ادارات دولتی کار می‌کند و طفل کودکانی دارند؛ خدمات کودکان را فراهم نمایند؛ در مطابقت به کنوانسیون حقوق کودک همه دولت‌ها در قبال تمامی کودکان که واجد شرایط دوره کودکان مکلفیت دارند، از طرف دیگر طبق اهداف انکشاف پایدار سازمان ملل متحد؛ مخصوصاً هدف شماره چهارم که بحث آموزش را در بر می‌گردد؛ دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا کودک را در همان مراحل اولیۀ کودکی‌اش به بالاترین حد توانایی برای استفاده از استعدادش آماده نمایند. این مکلفیت‌های یاد شده، دولت را ناگزیر ساخته به صورت ویژه خدمات کودکان‌ها را ارائه نمایند.

وزارت کار و امور اجتماعی، طفل را از بدوی تولد تا سن 5 ساله‌گی میزبانی می‌نماید؛ به باور بعضی تئوریسن‌ها؛ اساسی‌ترین دوره که در شکل‌گیری مغز کودک نقش حیاتی دارد؛ همین دوره است و ما به عنوان یک نهاد اساسی مرتبط به انکشاف دوره اولیۀ کودک، مکلفیت جدی و اساسی داریم.

خانم سردار زاده! چقدر با نهادهای که مرتبط به کودک مکلفیت دارند و شما از برخی ادارت نام بردید هم آهنگ هستید؟

آوان طفولیت علاوه بر افغانستان، در تمام جهان یک کار میان سکتوری است به این معنا که شما به تنهایی نمی توانید این پروسه را به دلیل ابعاد مختلف و متفاوت پیش ببرید. به گونه مثال؛ (کودک نیازمندی مراقبت های صحی است که جزو مکلفیت های، وزارت صحت عامه است، کودک نیازمندی دسترسی داشتن به خدمات آموزشی است که از وظایف وزارت معارف است، کودک نیازمند داشتن تمامی شاخص ها، برای مصئونیت اجتماعی است که جزو مکلفیت وزارت کار و امور اجتماعی) می باشد. به دلیل عدم هم آهنگی؛ علی الرغم حدر رفتن منابع؛ خدمات نیز به گونه درست ارائه نمی گیرد.

با این وصف؛ قرار است ما در هم آهنگی و همکاری با یونیسف، بانک جهانی، و وزارت های معارف، صحت عامه، کار و امور اجتماعی و وزارت زراعت؛ شبکه ملی دوره اولیه کودکی یا طفولیت ECD که یک تجربه بسیار خوب در کشورهای دیگر بوده را در افغانستان نیز به تطبیق بگیریم و با توجه به این که ما پنج سال نخست دوره ویژه طفولیت را زیر پوشش داریم، باید رهبری این شبکه را به عهده داشته باشیم.

فکر نمی کنید، نهادهای متعدد که در حوزه اطفال کار می کند، زیر یک چتر و زیر یک نهاد فعالیت می کردند مؤثریت بهتر و بیش تر می داشت؟

من از دو زاویه به این موضوع نگاه می کنم؛ اول از دید پرتیک، بخش کار ECD پراکنده است، روئکرد دوم تئوریک است، من موافق روئکرد دوم هستم و او این که خدمات دوره اولیه طفولیت باید به نحوی سازماندهی شده صورت بگیرد و همه فعالیت ها زیر یک چتر بیایند. اما؛ یک گزینه این است که اداره بنام اداره انکشاف دوره اولیه طفولیت در افغانستان داشته باشیم. در این جا می توان بخش " صحت، تغذیه، روانشناسی، و بخش آموزش داشته باشیم". و روئکرد دیگر این است که خارج از ساختار رسمی؛ وزارت یا اداره را داریم که یک ساختار مبتنی بر توافق تمام جوانب به شکلی ایجاد گردد که این ها در موافقت و تشریک مساعی هم بروند به طرف یک نقشه راه؛ به گونه که خطوط کاری هر اداره جدا و مشخص باشد. که این تفکیک مسوولیت ها می توانند مؤفقییت به بار بیاورد. از نگاهی شبکه ای یا سمپوزیم و یا هم کنسرسیوم که به اساس تحقیقات دو نهاد بسیار معتبر جهانی یعنی یونیسف و بانک جهانی که در سال 2016 انجام گرفتند و در نتیجه آن شبکه جهانی دوره اولیه طفولیت را ایجاد کردند. هدف از ایجاد این شبکه تعریف استندردهای بین المللی و هم چنان، رهنمایی

کشورها بود تا بتوانند به وضعیت ECD در داخل کشور رسیدگی نمایند؛ به خود اولویت تعریف نمایند و منابع آن را تدارک نمایند. باز به اساس همان شبکه بین‌المللی کشورها را تشویق به ایجاد شبکه‌های ملی کردند که نتایج بسیار خوب در پی داشته‌است. ما خوشبختانه با همکاری شبکه جهانی در حال ایجاد شبکه انکشاف دوره اولیة طفولیت در داخل کشور هستیم.

میزان علاقه‌مندی شهروندان با توجه به جذب کودکان شان در کودکانستان‌ها به چه پیمانۀ

بوده‌است؟

خوب اگر ما در مورد میزان تقاضا مردم از چند محور صحبت نماییم؛ بهتر خواهد بود. در مناطق شهری، تقاضا علاوه بر سطح سواد، اشتغال پدر و مادر و درک اهمیت کودکان‌ها توسط پدر و مادر باسواد از اهمیت خاص برخوردار بوده یعنی این که شهر نسبت به اطراف کشور بیش‌ترین متقاضی را برای کودکانستان دارد. اما؛ در مناطق غیرشهری و دور دست کشور، به دلیل عدم دانستن اهمیت کودکانستان و قلت امکانات و منابع اولیه؛ مردم به کودکانستان اهمیت آنچنانی ندهد؛ هرچند که مناطق غیر شهری هم از پلان و برنامه کاری ما خارج نیستند اما در دهات؛ دغدغۀ اصلی پدر تهیه نان فرزندانش است و شاید هیچ‌گاهی مجال نیابد تا به ریاست کار و امور اجتماعی، مراجعه کرده و درخواست جذب فرزندش را به کودکانستان کند. دلیل دوم که میزان تقاضای مردم در دهات کم‌رنگ است؛ عدم آگاهی والدین است؛ که نیاز به آگاهی بهتر و بیش‌تر در این بخش دارند؛ تا مردم اهمیت کودکانستان را درک نمایند. با این وجود هم ما با حجم تقاضای مردم مواجه هستیم که متأسفانه با این تشکیل و بودجه نمی‌توانیم به آن رسیدگی نماییم؛ به همین دلیل ما از دونه‌های ملی و بین‌المللی در این بخش تقاضای کمک نمودیم.

رئیس صاحب! از مکلفیت کاری تان به عنوان رئیس کودکانستان‌ها و مکلفیت‌های ریاست عمومی

کودکستان‌ها به ما بگوئید؟

مکلفیت‌های اول و اساسی ما منحیث ریاست عمومی کودکانستان‌ها با توجه به «ماموریت و دیدگاه» این است که زمینه دست‌رسی هر طفل زیر پنج سال واجد شرایط کودکانستان را فراهم نماییم؛ یک «فیس» مناسب برای کودکانستان‌ها تعیین نماییم، دست‌رسی به خدمات اولیة طفولیت در شیرخوارگاه‌ها و کودکانستان‌ها فراهم کنیم. این‌ها دیدگاه‌های اساسی ریاست کودکانستان‌ها هستند؛ همچنان؛ ما مکلفیت داریم که کودکانستان ایجاد نماییم، برای کودکانستان تشکیل داشته باشیم، معلم

و مدیر را توظیف نماییم، مواد غذایی را تهیه و تدارک نمایم، بل آب، برق تعمیر و غیره را تنظیم کنیم. بعد از آن کودک را جذب کرده و عملاً تحت آموزش قرار می‌دهیم. مکلفیت‌های بعدی ما این است که برای معلمین از نظر پیداگوزیک برنامه‌های ارتقای ظرفیت راه‌اندازی نمایم، یعنی معلم کودکستان باید از نظر سجایای جسمی و روانی آماده باشد تا بتواند برای کودک زیر پنج سال خدمات ارائه نماییم. مکلفیت دیگر ما این است که چون ریاست عمومی کودکستان‌ها، یکی از ریاست‌های عوایدی است، باید برای وزارت کار و امور اجتماعی عواید گردآوری نماییم. اگر چه این عواید مستقیماً به حساب دولت سرازیر می‌گردد؛ اما چون مکلفیت برای‌شان تعریف شده، فیس حق‌الاجرت و حق‌الشمول خیلی مشخص است. مکلفیت دیگر ما ایجاد اشتغال برای زنان است، در کودکستان‌ها از نظر جنسیتی مردم دوست دارند که کودک‌شان پیش زنان باشد، ما در کودکستان‌ها مردان را استخدام نمی‌کنیم و از طریق کودکستان زمینه اشتغال را برای زنان فراهم می‌نماییم. مکلفیت دیگر ما؛ حمایت از زن شاغل می‌باشد، زن که در اداره کار می‌کنند و کودک دارد ما مکلف هستیم برای کودک‌اش خدمات کودکستان را فراهم نماییم. به این ترتیب یک شاخص دیگر و مکلفیت دیگر؛ توانمندسازی اقتصادی زنان نیز بحث کودکستان است. هم‌چنان، باید، طفل را آماده بسازیم تا وارد سیستم آموزشی گردد بخاطر این که وقتی وزارت معارف سیستم آموزشی را رهبری می‌نماید ما باید کودک را با کمال آماده‌گی‌ها آماده بسازیم تا وارد این سیستم گردد. مکلفیت بعدی ما تنظیم روابط سه جانبه کودک-معلم و مادر و پدر است. یک رابطه سه طرفه بسیار مهم که در دست هر سه از این زنجیره اصلی آموزشی و مراقبتی دوره اولیّه کودک است و تلاش ما این است تا ازین زنجیر مواظبت نماییم. در پهلوی این مکلفیت دیگر ریاست این که باید همان اسناد معیاری، پالیسی‌ها و استراتیژی‌های مرتبط به دوره اولیّه طفولیت یا انکشاف دوره اولیّه طفولیت را ترتیب نموده و در اختیار تمامی نهادهای ملی و بین‌المللی که علاقه‌مند کار در بخش کودکستان هستند؛ بدهند؛ مکلفیت دیگر ما این است که باید از سکتور خصوصی حمایت و در عین حال نظارت نماییم و در عرصه خصوصی زمینه کار را برای این سکتور در بخش کودکستان فراهم نماییم. ما کودکستان‌های خصوصی را جواز فعالیت می‌دهیم، کودکستان‌های خصوصی را ایجاد می‌کنیم، از این آدرس خصوصی هم عواید جمع‌آوری می‌نماییم و هم‌زمان مکلفیت نظارت را به عهده داریم.

رئیس صاحب! فعالیت کودکستان‌های خصوصی روی چه میکانیزم استوار است؟

وقتی ما از کودکان یاد می‌کنیم هر نوع کودکان که باشد، شامل و مربوط وزارت کار و امور اجتماعی می‌شود وقتی یک فرد یا سازمان بخواهد کودکانی ایجاد کند، به دو شکل می‌تواند خدمات ارائه نمایند. اگر انتفاعی بود یعنی در مقابل ارائه خدمات «فیس» اخذ می‌کرد؛ خود به خود این شخص تابع قانون تجارت افغانستان می‌گردد و مکلف به اخذ جواز از اداره ثبت مالیکیت‌های فکری وزارت تجارت می‌شود. پس از آن پروسه ارزیابی اولیه ریاست عمومی کودکان افغانستان آغاز می‌گردد. ما یک پروسیجر در داخل ریاست داریم که هیأت از نشانی ما به منظور ارزیابی و نظارت مؤظف می‌شود و پس از گزارش هیأت، به این شخص جواز فعالیت از طرف ریاست عمومی کودکان افغانستان توزیع می‌گردد. نظر به کمیت و کیفیت امکانات و خدمات، ریاست کودکان افغانستان فیس خدمات را تعیین مینماید و نظر به تعداد کودکان شامل شده تضمین پولی ده درصد اخذ می‌گردد تا بتوانیم در صورت ترک فعالیت این کودکان، فیس والدین را دوباره بپردازیم و اطفال را به دیگر کودکان انتقال دهیم. بعد از ایجاد کودکان افغانستان انتفاعی نظارت از فعالیت آن نیز وظیفه ریاست عمومی کودکان افغانستان می‌باشد و ما همیشه از عملکرد و فعالیت یک کودکان را همواره زیر نظر داریم.

نوع دوم کودکان افغانستان غیرانتفاعی است. غیرانتفاعی به این مفهوم که یک شخص و یا مؤسسه خیریه بخواهد که خدمات کودکان را بدون اخذ فیس بصورت رایگان ارائه نمایند. برای ارائه این فعالیت نیاز به اخذ جواز فعالیت نیست. به این نوع کودکان افغانستان؛ ریاست عمومی کودکان افغانستان یک تفاهم‌نامه دارد که با این شخص امضا می‌گردد و نظارت از کودکان افغانستان خاص، حمایت و رسیدگی به مشکلات آن‌ها؛ وظیفه ریاست عمومی کودکان افغانستان است و ما در این قسمت کار می‌نماییم.

کلان‌ترین مشکل تان در حوزه کودکان افغانستان چه بوده و چه راه‌کاری برای حل آن روی دست گرفته

اید؟

حوزه کار در بخش کودکان افغانستان و ECD نه تنها در افغانستان بل که در تمام جهان مشکلات مشابه دارد. بحث و معضل کلان فراراه فعالیت ECD مشکل بودجه‌است. پروسه ECD بسیار هزینه‌بر است، شما مجبور هستید برای یک کودک یک اتاق را ترتیب و تنظیم نمایید که خوب تزئین گردیده باشد، تشناب، میز و چوکی مناسب برای کودک داشته باشد، غذا خوب برایش تهیه نمایید و باید یک معلم آموزش دیده را برایش توظیف نمایید؛ معلوم است که این کار نسبت به مکتب خیلی هزینه‌بر است. طفل را از بام تا شام نگهداری کردن، غذایی مناسب دادن، تهیه مکان مناسب برای خواب نیازمند هزینه کلان است. به مراتب هزینه‌بر نسبت به خدمات مکتب است؛ در مکتب فقط 4.5 ساعت

تدریس است که تنها به قلم، کتاب، کتابچه، معلم و محیط مناسب تدریسی ضرورت دارد و بس. به غذا و دیگر امکانات در آنجا نیاز نیست. به باور من این چالش اصلی و اساسی به دلیل عدم آگاهی والدین و جامعه از ارزش و اهمیت ECD است. شما اگر به یک خانواده مراجعه نمایید و به مادرش بگوئید که پس از این کودکات را در خانه نگهداری نکن و ما در کودکستان آن را برای شما نگهداری می‌کنیم، شاید بگوید در کودکستان چه می‌کنید؟ و ما برای‌شان از تدریس و غذا و امکانات بگوییم. در جواب شاید مادر بگوید خیلی خوب روان می‌کنیم. اما وقتی ما از فیس گپ بزینم مادر فرار می‌کند، هم‌چنان، چالش کلان ما این است که ECD و خدمات کودکستان اولویت دولت نیست. در مقابل آموزش و پرورش مکتب اولویت دولت است و همه‌ساله برای جذب یک میلیون طفل در صنف اول، بودجه اختصاص داده می‌شود؛ چون اولویت دولت است؛ مثلاً معین وزارت مالیه گفت که امسال 30 میلیون افغانی را تنها برای استخدام معلمین و ایجاد مکاتب اختصاص داده‌ایم. ولی اگر پسران نمائید که چند میلیون افغانی را برای ایجاد کودکستان‌ها و استخدام معلمین جدید اختصاص داده‌اید، جواب وجود ندارد، در این نوع شرایط ما خواستیم از تجربه کشورهای که با این وضعیت مواجه بودند استفاده کنیم، کشورهای چون؛ (اندونیزیا، نیپال، بنگله‌دیش و ممالک دیگر جنوب آسیا)، تجربه‌شان می‌دهند که این کشورها کوشش کردند کودکستان‌ها را از طریق یک شبکه؛ مدیریت نمایند. چندین وزارت یا اداره که در بخش کودکستان فعالیت داشتند؛ یک‌جا شدند با هم یک مجتمع کاری را ایجاد کردند و از طریق این مجتمع به تشریک تجارب و منابع پرداختند و خالیگاه‌ها را پیدا کردند و از دونرها خواستند تا آن‌ها را پر نمایند. دونرها را هم اول از نگاهی «Mandate» ارزیابی کردند و دیدند که کی در کدام عرصه علاقه‌مند همکاری است. از بانک جهانی، یونیسف، یونسکو، سازمان صحتی جهان و غیره خواستار کمک شدند تا بخش‌های گوناگون خدمات دوره اولیه طفولیت را تمویل نمایند. چرا که دونرها نظر به «Mandate» شان متفاوت هستند.

به باور شما جدا از نهادهای دولتی؛ نقش مردم، رسانه‌ها و جامعه مدنی در بخش آگاهی‌دهی را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما وقتی یک بحث ECD را مطرح می‌کنیم، تمرکز ما تنها دولت است. دولت چه کرده؟ چرا این کار را نمی‌کند و یا مؤسسات همکار چرا همکاری نمی‌کند. تمامی تمرکز ما بالای دولت و نهادهای همکار است. رسانه‌ها و جامعه مدنی، جامعه اکادمیک هیچ کنفرانس و میزگرد را درباره بحث (ECD) برگزار نکردند و نپرسیدند که دولت چقدر بودجه را بر این بخش تخصیص داده‌اند. دولت ما با تمام مشکلات که امروز دارند 80٪ بار (ECD) را به دوش می‌کشد 20٪ دیگر را هم سهم مؤسسات همکار و خصوصی است. 80٪ بودجه را همین حالا دولت می‌پردازد. برعکس؛ در کشور پاکستان تمامی

فعالیت را سکتور خصوصی انجام میدهند و دولت تنها نقش تسهیل کننده و ناظر را به عهده دارد. در کشور ما 4 هزار نفر در تمام کشور مصروف کار در بخش (ECD) است که 3 هزار آن معلم هستند. اما مشخصاً در بخش جامعه مدنی؛ تا هنوز هیچ اعتراض خیابانی به طور مثال برای کمبود بودجه در بخش ECD نداشتند و از دولت نپرسیدند که چرا بودجه ECD کم است، حتی چند بحث محدود جامعه اکادمیک در موضوع ECD در مراکز آموزشی برگزار نشده، هیچ بحث اکادمیک صورت نگرفته است، ذهنیت‌دهی افکار پدر و مادر در باره اهمیت کودکانها که مسوولیت جامعه اکادمیک و پوهنتونها است خیلی کم‌رنگ است، در جهان به شمول پوهنتونها های هاردوارد و آکسفورد در بخش ECD «17» تحقیق انجام دادند؛ اما متأسفانه جامعه ما کمتر درباره آن معلومات دارند.

از کمیت و تعداد کودکانها موجود به ما کمی معلومات دهید؟

هم‌اکنون به تعداد 520 باب کودکانستان در سطح کشور داریم که حدود 400 کودکانستان آن دولتی و تقریباً 120 باب آن خصوصی می‌باشند، از میان کودکانستان‌های دولتی 53 باب محل زیست و بقیه کودکانستان محل کار می‌باشد و نزدیک به 30000 هزار طفل را زیر پوشش داریم و 4000 هزار کارمند در سطح کشور مصروف فعالیت در بخش ECD داریم که 3000 هزار آن هستند. ریاست کودکانستان سابقه کاری حدود «74» سال دارد که ریاست این کودکانستان را در سال‌های اول پس از ایجاد همسر شاه به عهده داشت، زمانی هم بانوی نخست کشور رییس عمومی کودکانستان‌ها بود و برای نظارت از برخی کشورها دعوت می‌کرد.

به عنوان آخرین پرسش ، برای سال آینده چه برنامه‌های را روی دست دارید؟

به رغم کارهای اجرایی و لابی برای منظور تأمین بودجه به ریاست عمومی کودکانستان‌ها و با توجه به چالش‌ها در پیش‌برد کارها به صورت درست آن؛ برنامه نیازسنجی آموزشی را در لایه‌های مختلف روی دست گرفتیم که شامل رهبری تا مدیریتی که رؤسای ولایتی، رییس کودکانستان شهر، رییس کودکانستان تربیتی و بخش‌های نظارت و ارزیابی به عهده دارد نیز جزو این برنامه می‌باشد و هم‌چنان در لایه پیداکوژی و کتگوری‌های دیگر را نیازسنجی کردیم. برنامه‌های آموزشی ارتقای ظرفیت کارمندان را روی دست گرفتیم که همین‌اکنون تعدادی از کارمندان ما در انستیتوت خدمات ملکی مصروف آموزش هستند و از سوی دیگر؛ ما با برخی از کشورها از جمله جاپان، ایران و پاکستان در گفت‌وگو هستیم تا بتوانیم معلمان کودکانستان را به منظور آموزش به آن کشورها بفرستیم. مسأله

دیگر استندردسازی رهنمودهای ریاست است؛ اسناد و رهنمودهای ریاست نیاز به تجدید دارد. در نصاب تعلیمی اشتباهات «تاپی» زیادی دیده می‌شود. یک نصاب تعلیمی و ستندرد نداریم که به همین دلیل نصاب، کتاب‌ها، رهنمودها، فورم‌های نظارت و ارزیابی، فورم‌ها ارزیابی طفل، فورمه ارزیابی خود کودکستان، رهنمودهای معلمین، تمامی این اسناد نیازمند معیاری‌سازی هستند که شامل برنامه‌ها می‌باشد، خوش‌بختانه مؤسسات آغاخان، یونیسیف، روپانی فوندیشن همیشه در این زمینه همکار بودند. برنامه بعدی ما تأمین منابع است که چگونه می‌توانیم بودجه‌سازی کنیم؟ چطور برای پیش‌برد کارها بودجه لازم را در اختیار بگیریم و برای گرفتن یک برآیند بهتر و بیش‌تر به صورت درست دادخواهی کردیم. مسأله بعدی ما آگاهی‌دهی والدین و گسترش فعالیت‌های ما از شهر به دهات است؛ چطور اطفال آسیب‌پذیر را تحت پوشش قرار بدهیم، برای اطفال دهات، لازم نمی‌دانیم مانند کودکان شهرنشین در کودکستان‌های دهات نیز اطفال از صبح تا شام نگهداری شود، کافی‌ست برای دوساعت آموزش داده شود.

در فرجام گفته می‌توانیم که برنامه مهم و ارزنده برای ارایه خدمات ویژه برای اطفال که به خدمات ویژه نیاز دارند مانند؛ (اطفال، نابینا، ناشنوا، اطفال دارای تأخیر ذهنی) روی دست داریم و خوشبختانه به موفقیت‌های نیز دست یافتیم که جایکا، کمیته سویدن، کمیته ناروی در این زمینه وعده همکاری دادند.